

از زمانی که احداث شهرها و شهرکهای جدید به عنوان یکی از راه‌حل‌های ساماندهی شهری در ایران مطرح شده، استفاده از واژه‌های «شهر جدید» و «شهرک جدید» در بسیاری از آثار مکتوب و شفاهی، به طرز گسترده رواج یافته است. در همین حال، به نظر می‌رسد که به رغم تثبیت موقعیت عینی و تبلور فضایی شهرها و شهرکهای جدید در نظام شبکه شهری، این شهرها و شهرکها جایگاه مفهومی و تئوریک مشخصی در ادبیات شهر و شهرنشینی کشور نیافته‌اند.

برداشتی که در محاورات عامیانه، در بیشتر نوشته‌ها، در محافل غیرعلمی (حرفه‌ای) و حتی در برخی محافل علمی از واژه‌های شهر، شهر جدید و شهرک جدید شکل گرفته، برداشتی کلی و عمومی است که با ابهامات مفهومی خاص همراه است. معمولاً در برخورد با موضوع شهرها و شهرکهای جدید نه تنها لزوم توجه به وجوه اختلاف این گونه‌های شهرسازی جدید بسیار ناچیز شمرده می‌شود، بلکه مرز میان آنها و دیگر گونه‌های شهری (کهن شهرها) به دقت مشخص نمی‌شود. از همین رو، در استفاده از واژه‌های شهر، شهر جدید و شهرک جدید برای نامگذاری و معرفی مراکز زیستی، اهمیت اندکی به کاربرد درست آنها داده می‌شود. در این مقاله سعی شده است که در چارچوب یک مفهوم شناسی تطبیقی، مهمترین ویژگیهای شهر، شهر جدید و شهرک جدید و وجوه تمایز آنها، به عنوان تلاشی در تجزیه و تحلیل نظام سکونتگاهی و غنای ادبیات جغرافیایی شهر و شهرنشینی ارائه شود.

## پیشگفتار و طرح موضوع

مسئله مانده است، ساخت شهرک‌های جدید در دوره پیش از انقلاب و بنیانگذاری شهرهای جدید در سالهای پس از انقلاب، مهمترین تدبیر برای هدایت شهرنشینی و ساماندهی زندگی شهری بوده است.

پیدایش شهرها و شهرکهای جدید را تاکنون از زوایای گوناگون بررسی کرده‌اند و این مقاله در حقیقت تلاشی نظری و بنیادی در جهت مفهوم‌شناسی شهرها و شهرکهای جدید است. برای این منظور مشخصه‌هایی که اصول و مفاهیم کهن شهرها، شهرکها و شهرهای جدید را تبیین و حوزه‌های مفهومی آنها را از هم تفکیک می‌کند، مورد بررسی قرار گرفته است.

## کهن شهرها و شهرسازی جدید

ویژگیهای شهرها و شهرکهای جدید، به رغم شباهت‌ها و نیز تفاوت‌های اساسی آنها، به‌طور کلی در برابر ویژگیهای شهرهای مطرح است که آنها را شهرهای قدیمی یا کهن شهرها می‌نامیم. میان این دو گروه شهری تفاوت‌هایی به این شرح وجود دارد:

۱- شهرسازی جدید، چه نوشهر باشد و چه شهرک، برآیند «جنبش شهرسازی پیش از

در دوران معاصر، شهرنشینی، خواه ناخواه، به‌عنوان الگوی برتر سکونت در همه کشورهای پذیرفته شده است. گرایش و اشتیاق شدیدی به شهرنشینی پدید آمده و سبب شده است که بسیاری از شهرها، بویژه کلان شهرها، از نظر جمعیت‌پذیری، اشتغالزایی، خدمات‌دهی و توسعه فضایی در آستانه بر شدن ظرفیت و حتی فراتر از آن قرار گیرند. یکی از تدابیر کارساز برای کنترل یا تعدیل این مشکل که در موارد بسیار به اجرا درآمده، ساخت شهرها و شهرکهای جدید است.

در ایران نیز شهرنشینی از انقلاب مشروطیت به این سو و همگام با ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد ملی و پیدایش نهاد دولت در مدیریت کشور رو به گسترش نهاد و روند شهرنشینی از آن پس به پیروی از روند افزایش جمعیت و گسترش جوامع شهری، به کلان شهرنشینی و قطبی شدن انجامید. تهران به‌عنوان کلان‌شهر ملی و نیز چند مادرشهر منطقه‌ای، بیش از توان و ظرفیت‌های واقعی‌شان، در همه ابعاد رشد کردند. تاکنون افزون بر اندیشه انتقال پایتخت که در مرحله طرح

شهرنشینی» است. یعنی، نخست ابتدا فیزیک و کالبد شهر ساخته می‌شود و سپس با سکونت انسانها در آن، شهرنشینی تحقق می‌یابد؛ در حالی که در شهرهای قدیمی یا کهن شهرها، شهرنشینی پیش از شهرسازی بوده است. در این گونه شهرها، شهرنشینی از منشاء روستاهای اولیه و اسکانهای نخستین آغاز شده و به تدریج، با رشد جمعیت، استقرار خدمات، تأسیسات و تجهیزات شهری و ساخت‌وسازهای جدید، گسترش یافته است. یعنی، رشد شهری در شهرهای سنتی، برآیند دگرپرسی و تکامل تدریجی کانونهای زیستی پیش از آن بوده است.

۲- شهرها و شهرکهای جدید براساس یک نظام برنامه‌ریزی مدون شکل می‌گیرند و این روند دربرگیرنده مراحل تصمیم‌گیری، طراحی، تصویب و اجرا است. به عبارتی، شهرها و شهرکهای جدید را بر پایه طرحی سنجیده و از پیش تعیین شده می‌سازند و این یکی از مهمترین ویژگیهای بنیادی این شهرها و نیز وجه تمایز آنها از دیگر گونه‌های شهری است؛ در حالی که شهرهای قدیمی از پشتوانه نظام برنامه‌ریزی مدون و مکتوب برخوردار نیستند. یعنی، پیدایش و رشد شهرهای سنتی بر پایه منطبق برنامه‌ریزی شهری نبوده است؛ البته، در ساخت آنها، چه در مکان‌یابی و چه در احداث فضاها و عناصر شهری، از نوعی نظم و قانونمندی که همانا نظام برنامه‌ریزی شهری سنتی است، پیروی شده است، اما این قانونمندی برخلاف شهرها و شهرکهای جدید، نوشته شده و مدون نبوده است.

۳- فلسفه پیدایش شهرها و شهرکهای نوین بیانگر این است که آنها همواره بازتاب الزامها و ضرورت‌های خاص زمان بوده‌اند. «در پس زمینه ساخت و احداث هر شهر و نوشهری، از آغاز تمدن و مدنیت انسان تا به امروز، همیشه و در همه جا به‌وضوح نشانه‌هایی از ضرورت به‌چشم می‌خورد.» (جواد شهیدی، ۱۳۷۷، ۳۷) چنین ضرورتی در زمانها و مکانهای گوناگون، ماهیت متفاوت داشته است.

در دوره‌های گذشته، ضرورت‌های امنیتی و نظامی، برای دفاع از حریم حکومت‌ها یا برای

تهاجم و گسترش حدود و قلمرو حکومت‌ها، ضرورت اعمال حاکمیت و کنترل مناطق، بویژه مناطقی که موجودیت حکومت را تهدید می‌کرده، ضرورت‌های دینی و مذهبی و نیز در مواردی، ضرورت‌های تجاری و اقتصادی، مهمترین علل پیدایش و رشد شهرها و شهرکهای نوین بوده است. گسترش شتابان شهرها و شهرکهای جدید را در این دوران باید برآیند ضرورت‌هایی چون پاسخگویی به رشد جمعیت، تمرکززدایی، توسعه اقتصادی (صنعتی و معدنی)، سازماندهی اداری و سیاسی، هدایت شهرنشینی و ساماندهی فضای ملی و تأمین مسکن دانست که آثار این ضرورتها بر چهره شهرها و شهرکهای که پیامد آنها هستند، به روشنی دیده می‌شود.

تکون شهرهای قدیمی برآیند ضرورتی خودجوش و برخاسته از نیازهای طبیعی و حیاتی انسان به زندگی گروهی و اجتماعی است که باید آن را فلسفه بنیادی پیدایش شهر و شهرنشینی دانست. انسان پیوسته در جستجوی یک کانون اجتماعی بوده است تا نیازهای اساسی و حیاتی‌اش را به بهترین شکل برآورد. انسان، در جریان این کوشش، پس از تجربه کردن الگوهای زیستی و معیشتی گوناگون، در شهر سکنی‌گزید و به این ترتیب، بستری مناسب برای بالندگی فکری و فرهنگی یافت. نخستین ضرورت ساختن شهرها و شهرکهای جدید را بویژه در این دوران می‌توان پاسخگویی به مشکلات دانست، نه پاسخگویی به نیازهای حیاتی انسان شهرنشین. لئوناردو بنهولو (Leonardo Benevolo) شهرسازی جدید را «علاج واقعه بعد از وقوع می‌داند». (بنه‌ولو، ۱۳۶۵، ۱۲) در ایران نیز هدف از ساخت شهرهای جدید را بویژه در این دوران می‌توان کاهش یا حذف مشکلات شهرنشینی و مسائل درون شهرها و نیز تراکم‌زدایی از آنها دانست.

۴- ضرورت نهفته در روند پیدایش شهرها و شهرکهای جدید، ویژگی دیگر آنها را می‌نماید که همانا پیروی از «زمان» است. زمان لازم برای ساخت و احداث یک شهر و شهرک جدید، در مقایسه به شهرهای قدیمی، یکی از مهمترین ملاک‌های تشخیص و تفکیک و در عین حال

● گرایش و اشتیاق شدید به شهرنشینی سبب شده است که بسیاری از شهرها، بویژه کلانشهرها، از نظر جمعیت پذیری، اشتغالزایی، خدمات‌دهی و توسعه فضایی در آستانه‌پر شدن ظرفیت و حتی فراتر از آن قرار گیرند؛ از این رو، یکی از تدابیر کارساز برای کنترل یا تعدیل این مشکل احداث شهرها و شهرکهای جدید است.

ارزشگذاری این الگوهای شهری است.

ساختارهای شهری کافی بوده است. از سوی دیگر، وجود هسته و بخش مرکزی و نیز تنوع مناظر شهری در بیشتر کهن شهرها، بیانگر آن است که آنها فرایند تکامل خودجوش و طولانی را سپری کرده‌اند؛ اما چون شهرها و شهرکهای جدید در زمانی کوتاه و به صورت یکپارچه ساخته می‌شوند، این ویژگیها را در چهره و کالبد آنها نمی‌توان دید.

شماره‌های تفاوت‌های اساسی میان شهرها و شهرکهای جدید از یک سو و شهرهای قدیمی از سوی دیگر در ابعاد کمی، فیزیکی و ظاهری آنها دیده می‌شود. سیما و منظر شهری، استخوانبندی شهری، وسعت، جمعیت و عملکرد شهری در شهرها و شهرکهای جدید، آشکارا با شهرهای قدیمی متفاوت است.

در الگوهای شهرسازی جدید، اجزا و عناصر تشکیل دهنده شهر پیرو اشکال منظم هندسی هستند و نوعی انتظام فضایی و آرایش انعطاف‌ناپذیر و منظم را می‌نمایانند. در این گونه شهرها، هندسه بر طبیعت و توپوگرافی محیط چیرگی دارد و شکل و بافت شهر را تعیین می‌کند. در همین حال، جمعیت و وسعت شهرها و شهرکهای جدید تعریف شده و محدودتر از شهرهای قدیمی است. بیشتر آنها تک عملکردی هستند یا برجستگی یک نوع عملکرد خاص آشکارا در آنها دیده می‌شود، ولی شهرهای سنتی عملکردهای گوناگون و متنوع شهری را در کنار هم دارند.

اصولاً بسیاری از ابعاد و ویژگیهای کمی شهرها و شهرکهای جدید مانند وسعت و جمعیت شهر، امکانات اشتغال، کاربریها، تراکم و سرانه‌های شهری، متأثر از هدف و ضرورتی است که برای آن ساخته می‌شوند. سازمان مدیریت شهری وظیفه محاسبه و تعریف این ابعاد و کنترل و هدایت آنها را بر عهده دارد؛ از این رو، شهرها و شهرکهای جدید، پیش از اینکه عملاً به وجود آیند، بر روی کاغذ شکل می‌گیرند. درحالی که بسیاری از ویژگیهای کمی و کالبدی کهن شهرها مانند وسعت، جمعیت و شکل و فرم شهری، از عوامل و الزامات محیط جغرافیایی شهر پیروی می‌کنند و در هماهنگی و تعادل

اصولاً ساختن شهرها و شهرکهای جدید بر پایه هدف یا هدفهای خاص و در چارچوب برنامه زمانبندی شده مشخص و محدود صورت می‌گیرد. براساس این برنامه، منطبق شدن با زمان یا پیش افتادن از آن، یکی از مهمترین هدفهای ساخت شهرها و شهرکهای جدید است. اصولاً در برنامه‌ریزی ساخت شهرها و شهرکهای جدید، هویت‌یابی آنها را با عنصر زمان تعریف می‌کنند. با گذشت زمان در مقاطع تعریف شده آن، شهر و شهرک جدید کالبد مشخصی می‌یابد و با آن به فضا معنا و مفهوم می‌بخشد. از این رو، تحول و تکامل این مراکز زیستی، با عنصر زمان در مفهوم کوتاه و معین آن در پیوند است و لذا دارای تاریخ تولد مشخصی است. اما شهرهای سنتی بیشتر روند تحول و تکامل تدریجی و طولانی را می‌گذرانند. رشد طبیعی و ارگانیک این شهرها با گذشت زمان متممادی صورت می‌گیرد و این یکی از مهمترین ویژگیهای آنهاست. کهن شهرها نه تنها در بستر مکان و در پیوند باحوزه نفوذ جغرافیایی شان تعریف می‌شوند، بلکه به سبب ریشه داشتن در پهنه زمان، از دیگر گونه‌های شهری قابل تشخیص‌اند؛ از این رو، آنها را پدیده غیرحادث یا شهرهای غیرحادث می‌نامند. درحالی که شهرها و شهرکهای نوپید که ناگهان و در مقطعی خاص از زمان، به شکل اسکائی یا موقعیت کاملاً شهری پدید می‌آیند، پدیده‌های حادث نامیده می‌شوند.

شهر، یک ارگانیسم زنده است که برای تکامل در همه مراحل تولد، رشد و بلوغ به عامل زمان نیازمند است. اصولاً اگر فرایند پیدایش و تکامل شهر در بستر زمان کافی باشد، همه ابعاد فیزیکی و غیرفیزیکی آن شفاف می‌شود و به خوبی تبلور می‌یابد؛ ولی در شرایط رشد زودرس و یکپارچه، شفافیت آن کاهش می‌یابد.

مهمترین بازتاب عامل زمان بر چهره شهرهای قدیمی را می‌توان در نقشه این گونه شهرها دید و مرزبندیهای آن، مراحل پیوسته تحول و تکامل شهر را در گذر زمان نشان می‌دهد. این مرزها نشان‌دهنده آن است که شهر مرحله به مرحله گسترش یافته و در هر مرحله، زمان برای رشد

● تاکنون، افزون بر اندیشه انتقال پایتخت که در مرحله طرح مسئله مانده است، احداث شهرکهای جدید در دوره پیش از انقلاب و ساختن شهرهای جدید در سالهای پس از انقلاب، مهمترین تدبیر برای هدایت شهرنشینی و ساماندهی زندگی شهری بوده است.

## شهر جدید و شهرک جدید

در کنار ویژگیهای مشترک شهرها و شهرکهای جدید که عامل پیوند آنهاست و آنها را به عنوان الگوی شهرسازی برنامه‌ریزی شده در برابر کهن شهرها قرار می‌دهد، برخی تباينهای اساسی میان شهرها و شهرکهای جدید وجود دارد که قلمرو مفهومی جداگانه برای هر يك از آنها را تعريف می‌کند. این تباينها در طرز تلقی عامیانه بازتابی بسیار ساده یافته است. در برخورد علمی با موضوع که در تعاریف شهرها و شهرکهای جدید منعکس است، بر شاخص‌هایی تأکید می‌شود که یا تباينها و مرزهای میان آنها، یا دست کم برخی از آنها را به روشنی نشان نمی‌دهد. برخی از این تعاریف به شرح زیر است:

- ۱- شهرهای جدید اجتماعهای برنامه‌ریزی شده‌ای هستند که در پاسخ به اهداف از پیش تعیین شده ایجاد می‌شوند. (زیاری، ۱۳۷۸، ۵)
- ۲- شهر جدید با گزینش اختیاری محل و کارکرد معین، طرح از پیش تهیه شده و تقریباً همیشه هندسی، وجود سرپرست واحد برای طراحی مجموعه، رشدی نسبتاً سریع، دستکم در آغاز، و جستجوی تعادل مسکن - کار مشخص می‌شود. (باستیه و دزر، ۱۳۷۷، ۳۸۰)
- ۳- شهر جدید، اجتماعی است متکی به خود، با جمعیت و مساحت مشخص، فاصله‌ای معین از مادر شهر، برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده، اهداف معین و همچنین برخوردار از همه تسهیلات لازم برای يك محیط مستقل. (زیاری، ۱۳۷۸، ۵)
- ۴- منظور از شهر جدید، شهری است که از نظر اشتغال به مادر شهر متکی نباشد و از لحاظ خدمات نیز تا حد امکان خودکفا باشد. (اعتماد، ۱۳۶۹، ۷)
- ۵- ایجاد اقمار شهرها... بی‌هیچ‌گونه تردیدی، برنامه‌ریزی آگاهانه‌ای است که در جهت سبک گرداندن بار تحمیلات ناشی از رشد شتابان و سرطانی مادر شهرها انجام می‌شود. (فرید، ۱۳۶۸، ۱۸۵)
- ۶- شهرک جدید راهکاری آزادی است که در برنامه‌ریزی دولت به منظور کاهش فشار

جمعیت در شهرهای بزرگ و فراهم آوردن محیط مناسب برای زندگی، اتخاذ می‌شود. (Monkhouse, 1969, 242)

در يك جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که در بیشتر تعریفهای گوناگونی که از شهرهای جدید ارائه شده است، دو ویژگی بنیادی و کلیدی را مبنای تعريف نو شهر قرار داده‌اند:

- ۱- خودکفایی و خودآتکایی، بویژه در زمینه عملکرد اقتصادی و اشتغال.
  - ۲- نقش برنامه‌ریزی آگاهانه و از پیش اندیشیده شده در پیدایش نو شهرها.
- بدیهی است که نه تنها شباهت‌های شهرها و شهرکهای جدید، بلکه گوناگونی و تنوع آنها در زمانها و مکانهای مختلف، ارائه مفهوم و تعریفی جامع و فراگیر برای آنها را دشوار می‌سازد؛ اما میان شهرها و شهرکهای جدید تفاوتی به این شرح وجود دارد:

- ۱- شهرک، توسعه پیوسته (متصل) یا ناپیوسته (منفصل) ولی شهر جدید الگوی توسعه ناپیوسته یا منفصل است. اصولاً شهرک را به دو شکل می‌توان ساخت، برخی شهرکها ساخت و سازهای مسکونی پیوسته در حاشیه يك شهر هستند که به صورت محلاتی متصل به بدنه اصلی مادر شهر ساخته می‌شوند. این گونه شهرکها که در ایران یا در دیگر کشورها، رایج‌ترین الگوهای شهرک‌سازی هستند، در حقیقت نوعی محله‌سازی (Planned unit development) در مجاورت شهرهای موجود و پدیده‌های سامان یافته‌ای هستند که خودجوش نیستند، بلکه طبق برنامه‌ای مدون ساخته می‌شوند. این تپ از شهرکها را اشخاص حقیقی و حقوقی وابسته به بخش خصوصی یا بخش دولتی می‌سازند.

نوع دوم شهرکها شامل ساخت و سازهایی است که به صورت يك مجموعه زیستی مستقل و منفصل از مادر شهر اصلی به وجود می‌آیند. این نوع شهرکها در واقع ساخت و سازهای نسبتاً سازمان یافته‌ای است که در محدوده يك روستا انجام می‌گیرد و به آن ماهیت شبه شهری می‌بخشد. این شهرکها از ویژگیهای صرفاً روستایی‌شان فاصله گرفته‌اند؛ با این حال،

● فلسفه پیدایش شهرها و شهرکهای نو بنیاد بیانگر این است که آنها همواره بازتاب الزامها و ضرورت‌های خاص زمان بوده‌اند.

موقعیت شهری هم نیافته‌اند و مراحل گذار شهری را سپری می‌کنند؛ به این سبب، برخی عناصر و ویژگیهای روستایی همچنان در آنها دیده می‌شود. در ایران، در مواردی واژه روستا-شهر (village-city) در نامگذاری و تعریف این تیپ شهری به کار می‌رود که بیانگر شهرگرایی (urbanization) یا نفوذ فرهنگ و عناصر شهری در نواحی روستایی است.

شهرکهای منفصل، به سبب فاصله‌شان از شهر اصلی، خصوصیات مشابه شهرهای جدید دارند، ولی پیدایش آنها موضوعی از پیش طراحی شده نبوده است؛ بلکه نقاط مستعدی بوده‌اند که در معرض فرایند شهرگرایی قرار گرفته‌اند و این در واقع تفاوت اساسی آنها با شهرهای جدید است.

در شهرکهای منفصل، برخلاف شهرکهای متصل، ساخت‌وساز و عمران شهری، حرکتی سازمان یافته نیست و بیشتر به صورت فردی و با پراکنده‌سازی انجام می‌گیرد. در ایران، در دهه‌های اخیر، یکی از مهمترین عوامل پیدایش این گونه شهرکها، دخالت و مشارکت دولت در شهرک‌سازی بوده است. این دخالت از راه تفویض عملکردهای اداری-سیاسی به نقاط روستایی و گسترش کارگاههای صنعتی در روستاهای کوچک و بزرگ صورت گرفته که در نتیجه، شهرکهای صنعتی با عملکرد تخصصی و نیز روستا-شهرهای متعدد با عملکرد اداری-سیاسی، در مناطق مختلف کشور پدید آمده است.

نوشهرها، برخلاف شهرکها، ساخت و سازهای شهری منفصل، ناپیوسته، گسسته یا مستقلی هستند که با فواصل متعارف و معین از شهر اصلی ساخته می‌شوند. مقدار این فاصله بسته به چگونگی راههای ارتباطی و نوع وسایل ارتباطی که تعیین کننده زمان و سرعت ترافیکی است، مشخص می‌شود.

مهمترین وجه مشخصه شهرهای جدید، به عنوان الگوهای ناپیوسته توسعه شهری، این است که در خارج از بدنه اصلی مادر شهرها و با حفظ فاصله متعارف از آن مکانیابی می‌شوند. به این سبب، اتخاذ تدابیری که مانع پیوستن نوشهر به

شهر مادر شود، یکی از حساسترین مسائل در طراحی آنهاست. سیاستی که برای این منظور اتخاذ می‌شود، تدوین قوانین لازم برای تثبیت کاربری اراضی در حدفاصل شهر اصلی و شهر جدید است که در بیشتر کشورهای پیشرفته به کار گرفته می‌شود. برای تحقق این سیاست اقدامات گوناگونی انجام می‌شود. حفظ باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی، ایجاد دریاچه‌های مصنوعی، احداث پارکهای بزرگ و تبدیل زمین‌های موات به جنگل‌های مصنوعی و... از جمله راهکارهای مؤثر برای جلوگیری از پیوستن نوشهرهای خوابگاهی به شهر مادر و تلطیف فضای بین شهری است.

۲. شهرکها از نظر اداری و خدمات عمومی مستقل نیستند، بلکه وابسته به شهر اصلی عمل می‌کنند. اصولاً شهرکها از آن رو که در نظام تقسیمات و سلسله مراتب سیاسی، جایگاه و منزلت اداری-سیاسی مشخصی برای آنها تعریف نمی‌شود، استقلال اداری و خدماتی ندارند و از این نظر، تابع شهر اصلی هستند. همچنین، از سازمانها و دستگاههای لازم برای عرضه خدمات عمومی به ساکنان بی‌بهره‌اند. سازمان شهرداری یکی از مهمترین آنهاست. شهرکها بویژه شهرکهای پیوسته، شهرداری مستقل ندارند و در حوزه خدمات شهرداری شهر اصلی هستند.

برخلاف شهرک که از لحاظ تأمین خدمات می‌تواند زیر نظر شهرداری شهر اصلی باشد، شهرهای جدید از نظر خدمات عمومی و اجتماعی، مستقل عمل می‌کنند. شهرهای جدید شهرداری و سازمانهای اداری مستقل دارند و همه نیازهای خدماتی ساکنان در داخل شهر تأمین می‌شود.

۳. شهرهای جدید عملکرد یا عملکردهای اقتصادی مشخص و تعریف شده دارند. یک شهر جدید ممکن است یک یا چند عملکرد صنعتی، خدماتی، توریستی، دانشگاهی، سکوتی (خوابگاهی)، حکومتی (پایتختی) و مانند اینها داشته باشد. نوشهرها گرچه مانند شهرهای قدیمی تنوع عملکرد (multi function / muti purpose) ندارند، ولی در مواردی بیش از یک عملکرد دارند؛ درحالی که شهرکها غالباً عملکرد

● نخستین ضرورت ساختن شهرها و شهرکهای جدید را بویژه در این دوران می‌توان پاسخگویی به مشکلات انسان دانست، نه پاسخگویی به نیازهای حیاتی انسان شهرنشین؛ چنانکه لنوئارد دوبنه لو شهرسازی جدید را علاج واقعه بعد از وقوع آن می‌داند.

مشخصی ندارند و از نظر نقش اقتصادی، تابع تحولات شهر اصلی هستند.

یکی از مهمترین نکات در برنامه‌ریزی شهرهای جدید تعیین و تثبیت نقش اقتصادی آنهاست. در این زمینه، بیشتر به منظور حفظ استقلال اقتصادی شهر بر نقش‌های تولیدی تأکید می‌شود؛ در حالی که در محله‌سازی و شهرک‌سازی اقماری، این مسائل مطرح نیست و اهداف و وظایف اقتصادی آنها تابع شهر اصلی است و این وظایف از قبل مشخص شده است. شهرکها در حقیقت ساخت و سازهای مسکونی سامان یافته و از جمله راه‌حل‌های معقولی هستند که در پاسخ به نیاز سکونتی شهروندان در کلان شهرهایی که با بحران فضایی مواجه‌اند، احداث می‌شوند. به همین سبب، فلسفه شهرک‌سازی اصولاً عملکرد اقتصادی مشخص و معینی را تعریف نمی‌کند و این شهرکها عموماً نقش سکونتی دارند. با این حال باید گفت که شهرکها با هر هدفی که ساخته شوند، به تدریج به کانونهای جدید فعالیت و اشتغال تبدیل می‌شوند؛ اما در چنین حالتی نقش‌پذیری آنها سخت تحت تأثیر خواست‌ها، الزامات و سلطه شهر اصلی قرار دارد.<sup>۲</sup>

۴- شهرهای نوپیداز دیرباز، یا پشتوانه دخالت، مشارکت و حمایت یک منبع و مرکز قدرت به وجود آمده‌اند. این مرکز قدرت، حکومت و دولت یا دستگاههای اجرایی وابسته به آن است که از اقتدار سیاسی و اقتصادی و صلاحیت حقوقی لازم برخوردار است و به منظور تحقق اهداف و تأمین نیازهای خود به احداث نوشهرها اقدام می‌کند. این اقتدار گرچه در گذشته مینا و ماهیتی متفاوت از امروز داشته،<sup>۲</sup> ولی در همه اشکال آن همواره مهمترین پشتوانه و پیش شرط لازم برای احداث نوشهرها بوده است.

ساخت شهرکها مستلزم وجود تشکیلات و سازمانهای واجد صلاحیت حقوقی نیست؛ چنانکه اشخاص، شرکتها و تعاونیهای مسکن هم می‌توانند با رعایت مقررات قانونی و ضوابط شهرسازی، به ساخت شهرک اقدام کنند. در ایران نیز برای احداث شهرک جدید، الزاماً نیاز به

تأسیس یک شرکت دارای شخصیت حقوقی مستقل نیست و یک شخص حقیقی هم می‌تواند اقدام کند، ولی در مورد شهر جدید... ایجاد شرکت با شخصیت حقوقی مستقل الزامی است. (هاشمی، ۱۳۷۸، ۳۰) به همین دلیل مسئولیت برنامه‌ریزی برای احداث شهرهای جدید به «شرکت عمران شهرهای جدید» واگذار شده است که وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی و بخشی از بدنه تشکیلاتی دولت است. در کشورهای اروپای شرقی، استرالیا و کشورهای اسکاندیناوی، شهرهای جدید با مدیریت سازمانهای وابسته به دولت احداث می‌شوند؛ در آمریکا بخش خصوصی و در انگلستان، هندوستان و اسکانلند، مانند ایران، شرکت توسعه شهرهای جدید مسئولیت برنامه‌ریزی، اجرای برنامه‌ها و مدیریت نوشهرها را به عهده دارد. (عبیدی دانشپور، ۱۳۷۳، ۸۷)

۵- جمعیت و وسعت شهر جدید به مراتب بیشتر از شهرک جدید است. البته تعیین معیار ثابتی در مورد جمعیت و وسعت نوشهرها در زمانها و مکانهای مختلف، بسیار دشوار است؛ زیرا، نوشهرها در قلمروهای جغرافیایی و مقتضیات زمانی گوناگون، اندازه‌ای متفاوتی دارند. تجربه‌های نوشهرسازی در جهان، در دهه‌های اخیر بطور کلی نشان می‌دهد که جمعیت آرمانی و برنامه‌ریزی شده برای شهرهای جدید بین ۲۰ تا ۷۰۰ هزار نفر و گاهی بیش از آن در تغییر بوده است؛ در حالی که جمعیت شهرکها از چند هزار نفر تجاوز نمی‌کند.

در همین حال باید گفت که این اعداد و ارقام نمی‌تواند ضابطه پایداری برای تفکیک اندازه جمعیتی شهرها و شهرکهای جدید از هم باشد؛ زیرا نه تنها در دهه‌های اخیر جمعیت‌نهایی و هدف شهرهای جدید افزایش یافته، بلکه برای نوشهرهایی که عملکردهای مختلف دارند، اندازه‌های جمعیتی متفاوتی پیش‌بینی می‌شود. اصولاً تعیین اندازه جمعیت برای شهرهای جدید در نوشهرهای تولیدی (شهرهای جدید مستقل) از عملکرد شهری و ظرفیت اقتصادی آن و در شهرهای جدید خوابگاهی و اقماری از الزامات موجود در مادر شهر (metropolis) یا شهر اصلی

● در الگوهای شهرسازی جدید، اجزاء و عناصر تشکیل دهنده شهر پیرو اشکال منظم هندسی هستند و نوعی انتظام فضایی و آرایش انعطاف‌ناپذیر منظم را می‌نمایانند. در این گونه شهرها، هندسه بر طبیعت و توپوگرافی محیط چیرگی دارد و شکل و بافت شهر را تعیین می‌کند.

● **بسیاری از ابعاد و ویژگی‌های کمی شهرها و شهرکهای جدید، از جمله وسعت و جمعیت شهر، امکانات اشتغال، کاربریها، تراکم و سرانه‌های شهری، بر آینده‌های هدف و ضرورت احداث آنها هستند.**

تبعیت می‌کند. نوسهرهای خوابگاهی چون با هدف تمرکززدایی جمعیتی از شهر اصلی ساخته می‌شوند، در مقایسه با نوسهرهای مستقل، جمعیت بیشتری برای آنها پیش‌بینی می‌شود. در مورد وسعت شهرهای جدید نه تنها میان کشورهای مختلف، بلکه میان شهرهای جدید موجود در یک کشور نیز تفاوت زیادی به چشم می‌خورد؛ زیرا، وسعت یک شهر جدید در وهله نخست تابعی از جمعیت آن است که خود تنوع زیادی نشان می‌دهد. در یک مقایسه تطبیقی میان وسعت شهرها و شهرکهای جدید می‌توان گفت که «طرح اولیه شهر جدید دارای وسعت زیادتری بوده یا قابلیت توسعه زیاد آن در آینده نزدیک قابل تشخیص است، در صورتی که در شهرک جدید چنین حالتی وجود ندارد». (هاشمی، ۱۳۷۳، ۳۱۷)

در ضوابط حقوقی حاکم بر توسعه شهری در ایران، میان شهر و شهرک جدید، از نظر حداقل وسعت، تفاوت وجود دارد. بر پایه این ضوابط، شهرک حداقل با ظرفیت ۵۰۰ واحد مسکونی، ولی شهر جدید با حداقل ۱۰/۰۰۰ واحد مسکونی طرح‌ریزی می‌شود. (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۳، ۹۰) در هنگ کنگ، مساحت شهرهای جدید از ۱۹۴ هکتار تا ۲۱۵۶ هکتار، در مصر از ۴۲۰ هکتار تا ۴۵۰۰ هکتار (کامروا، ۱۳۷۳، ۶۷) و در ایران از ۷۰۰ هکتار تا ۴۰۰۰ هکتار (عدالتخواه، ۱۳۷۳، ۳۵) در تغییر است.

### نتیجه‌گیری

با اینکه دیر زمانی از ورود شهرها و شهرکهای جدید به نظام شبکه شهری سنتی ایران می‌گذرد، در ادبیات جغرافیایی شهر و شهرنشینی کشور، هنوز ابهامات خاصی در مفهوم‌شناسی و حوزه مفهوم می‌آنها به چشم می‌خورد.

شهر تکامل یافته‌ترین کانون زیستی برای اجتماعی زیستن است. گرچه گونه‌های مختلف سکونتگاههای شهری، یعنی شهرهای قدیمی، شهرهای جدید و شهرکهای جدید، همه با این هدف مشترک و برای پاسخگویی به این نیاز حیاتی انسان پدید آمده‌اند، ولی تفاوت‌های برجسته‌ای میان آنها وجود دارد که قلمرو مفهومی مشخص و

تمایزی برای هر یک از آنها ترسیم می‌کند. فلسفه پیدایش، روند تحول و تکامل، نقش و عملکرد شهری، ساختارهای شهری، الزامات مکانیابی، سیمای ظاهری و بسیاری از ابعاد کمی، از جمله وسعت و جمعیت، در شهرهای سنتی، شهرهای جدید و شهرکهای جدید، تفاوت‌های آشکاری نشان می‌دهد. این تفاوت‌ها را در کلیت آن، همگان پذیرفته‌اند، ولی در برخورد با موضوع، به علت ابهام در مفهوم‌شناسی و تفاوت‌شناسی این واژه‌ها، عملاً وجوه تمایز میان آنها یا نادیده انگاشته شده یا بسیار ناچیز و کمرنگ شمرده می‌شود. این ابهام بویژه در مقایسه تطبیقی شهرهای جدید و شهرکهای جدید آشکارتر است.

ضرورت دارد که در تجزیه و تحلیل نظام سکونتگاهی و در کاربرد واژه‌های شهر، شهر جدید و شهرک جدید، به مفهوم‌شناسی این واژه‌ها و تفاوت‌های آنها توجه شود.

### زیرنویس‌ها

۱. در این میان نوسهرهای آمریکایی مستثنی هستند. بیشتر شهرهای جدید آمریکا بر اساس هدفهای علمی و اداری، پدید آوردن تفریحگاهها؛ از جمله قمارخانه‌ها و نیز خانه‌سازی برای افراد پردرآمد، ساخته شده‌اند؛ یعنی هدف آن سوددهی مبنی بر قانونمندی بازار بوده است.

۲. برای آگاهی بیشتر از تأثیرات متقابل شهر و حومه مراجعه کنید به فرید، یدالله، جغرافیا و شهرشناسی، ۱۳۶۸، صص ۱۸۲-۱۷۰ و در نو، ماکس، جغرافیای انسانی، ترجمه سیروس سهامی، ۱۳۷۱، صص ۸۸۶-۸۹۶.

۳. در گذشته حکومت‌ها اقتدار خود را دارای خصلت کاریزمایی (charismatic) یا فرموری، فره‌مندی و فره‌ایزدی می‌دانستند؛ اقتداری که بنیان آن بر نوعی عنایت و موهبت الهی یا انتقال فره‌ایزدی به شخص حاکم و پیشوا استوار بود. به همین دلیل، حکومت‌ها بنای شهر را با اقتدار تعیین می‌کردند و مردم نیز آرامی پذیرفتند. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: ویر، ماکس، شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا گلویانی، ۱۳۶۹، صص ۱۶۹-۱۷۱.

### منابع و مآخذ

۱. اعتماد، گیتی، «شهرنشینی و مسائل آن»، مجموعه مقالات شهرهای جدید؛ فرهنگ جدید در شهرنشینی، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران، ۱۳۶۹، صفحات ۵۱۲.

۲. باستیه، ژان و دزر، برنار، شهر، ترجمه علی اشرفی، دانشگاه هنر، تهران، ۱۳۷۸.

۳. جواد شهیدی، کوروش، مقدمه‌ای بر مفاهیم نو شهرها از آغاز تا امروز، پژوهنده، تهران، ۱۳۷۷.

۴. زیاری، کرامت‌الله، برنامه‌ریزی شهرهای جدید، سمت، تهران، ۱۳۷۸.

۵. عسیدی دانشیور، زهره، «بررسی و تحلیل قیاسی شهرهای جدید در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه»، مجموعه مقالات شهرهای جدید؛ فرهنگی جدید در شهرنشینی، جلد اول، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران، ۱۳۷۳، صفحات ۸۷-۱۱۸.

۶. عدالتخواه، محمد، «ملاحظات در خصوص جایگاه شهرهای جدید در شهرنشینی»، مجموعه مقالات...، جلد ۲، شرکت عمران شهرهای جدید، تهران، ۱۳۷۲، صفحات ۲۸-۳۶.

۷. فرید، یدالله، جغرافیا و شهرشناسی، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸.

۸. کامروا، سیدمحمدعلی، «پیش‌بینی و تعیین آستانه‌های جمعیت بهینه در شهرهای جدید»، مجموعه مقالات...، جلد اول، ۱۳۷۳، صفحات ۱-۲۰.

۹. مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی، راهنمای شهرک‌سازی، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، ۱۳۷۳.

۱۰. وبر، ماکس، شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا کلوپانی، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۹.

۱۱. هاشمی، فضل‌الله، «روند احداث شهرکهای جدید در طی چهل سال اخیر در ایران»، مجله آبادی، ویژه نامه شهرهای جدید، شماره‌های ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۱۳۷۸، صفحات ۲۵-۳۰.

۱۲. —، «ضوابط حقوقی حاکم بر توسعه شهری و شهرک‌های جدید»، مجموعه مقالات...، جلد اول، صفحات ۳۱۱-۳۲۰.

13. Monkhouse, F.J., A Dictionary of Geography, Edward Arnold, 1969.

● مهم‌ترین وجه مشخصه

شهرهای جدید، به عنوان الگوهای ناپیوسته توسعه شهری، این است که خارج از بدنه اصلی مادر شهرها و با حفظ فاصله متعارف از آنها، مکانیابی می‌شوند؛ به همین سبب، اتخاذ تدابیری که مانع پیوستن نو شهر به مادر شهر شود، یکی از حساس‌ترین مسائل در طراحی آنهاست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی